ادامه از صفحه ۵

رژیم حقوقی دریای خزر فرصت‌ها و چالش‌های پیش‌روی ایران

سهمی حدود ۱۸ درصد هم با همین فرمول برای آذربایجان در نظر گرفته شده و در واقع این سه کشور ۶۴ درصد بستر دریا را میان خود تقسیم کرده‌اند. اما ایران و ترکمنستان که اعتقاد اردکانیان، وزیر نیروی دولت دوازدهم، با ایده سازگاری با کم‌آبی روی کار آمد، او آب و انرژی را دو مقوله پیوسته و ناگسسته می‌داند و همواره از دیدمصرفی مصرف‌کنندگان گله دارد ما نگاه وزیر نیرو در دیدمصرفی، عرضا معطوف به بخش کشاورزی نیست؛ بدمصرفی را در سه بخش شرب، صنعت و کشاورزی هم نظر قرار می‌دهد و معتقد است که تمام مصرف‌کنندگان باید برای اصلاح الگوی مصرف خود تلاش کنند. او در سخنان خود به تبعات منفی توزیع نامناسب آب و انرژی بر زوال تمدن اشاره می‌کند و معتقد است محدودیت آب در ایران باید به خودورزی متفاوت برای توسعه منجر شود. یعنی این‌گونه نباشد که با تفکر فراوانی آب، صنایع آب‌بر در نقاط کم‌آب ایجاد شود. به اعتقاد اردکانیان، آب محدودیت اصلی برای توسعه ایران است در نتیجه باید برای اجرای برنامه‌های خود آمایش آب‌محور داشته باشیم. وزیر نیرو نمیتوانی هم به اصلاح ساختار اقتصادی بخش آب و انرژی دارد. مشروح گفت‌وگوی رضا اردکانیان با «شرق» در ادامه می‌آید:

ایده سازگاری با کم‌آبی چه اهدافی را در عرصه آب و انرژی دنبال می‌کند؟

هدفی که ما در عرصه منابع محیط‌زیستی و بالاخص آب و انرژی دنبال می‌کنیم، حداقل در پنج محور خلاصه می‌شود. اول، پایداری منابع آب و انرژی به نحوی که نیازهای نسل امروز و نسل‌های آتی را برآورده کند. دوم، بتوانیم تقاضای فزاینده ناشی از ضرورت توسعه را برآورده کنیم. سوم، تخریب‌های موردی در گذشته، به‌واسطه اندیشه‌ها، گفتارها و کردارهای نادرست را جبران کرده و به احیای ظرفیت زیست‌پذیری کشور بپردازیم. چهارم، کیفیت زندگی ایرانیان را در قید پایداری بالا ببریم. پنجم، بهره‌برداری از منابع محیط‌زیستی را با ارزش‌های اساسی انسانی نظیر عدالت، نفی خشونت، نفی فساد، رعایت اصول اخلاق پیوند بزنیم و استفاده از منابع آب و انرژی معطوف به تحقق چنین ارزش‌هایی باشد. تحقق این محورها با نظام به‌هم‌پیوسته اندیشه، گفتار و کردار حاکم بر نظام مدیریت منابع آب و انرژی ایران مرتبط است. من معتقدم باید نظام اندیشه‌ای و نظری منسجمی بر رویکرد ما به مدیریت منابع آب و انرژی حاکم باشد.

تاکنون برای دستیابی به اهداف خود در حوزه آب و انرژی چه اقداماتی انجام داده‌اید؟

من تاکنون در ۹ ماه گذشته، وجوه مختلف این نظام فکری را برشمرده‌ام. برخی گزاره‌های اساسی این نظام فکری عبارت‌اند از: آب و انرژی کاملا به‌هم‌پیوسته هستند و هرگونه پایداری‌سازی در این دو منبع به یکدیگر وابسته است. در حوزه آب و انرژی و بالاخص در عرصه آب، نیازمند رویکرد میان‌بخشی هستیم و باید مسئله آب را واحد دید و از تکه‌تکه‌کردن مسئله و سپردن هر تکه آن را به یک دستگاه و تشدید تقابل میان دستگاه‌ها در ماموریت‌ها اجتناب کرد. این به معنای ادغام دستگاه‌ها نیست، بلکه رویکرد به‌هم‌پیوسته به مسئله را ایجاب می‌کند. مدیریت توأمان عرضه و مصرف/تقاضا در هر دو بخش آب و انرژی، محور اقتصاد و کردار وزارت نیروست. چنان نیست که بعد از چندین دهه عادت‌کردن مدیران، نیروی انسانی و اذهان به رویکردهای پیشین، با تغییر مدیریت، رویکردها به کلی عوض شوند و مسیرهای جدیدی در پیش گرفته شود. گرایش به سمت اهداف پیچ‌گانه‌ای که برشمردم به تولید اندیشه، تولید گفتار و برنامه‌ریزی برای کردارها و اقداماتی نیاز دارد که رویکرد جدید و اهداف متناسب با آنها را پیش ببرند. ورود به این عرصه، نیازمند مفهوم‌سازی و تشریح همه ابعاد این مفاهیم است.

سازگاری با کم‌آبی چگونه محقق می‌شود؟

هر اندیشه و گفتمانی دارای مفاهیم محوری است. مفهوم «سازگاری با کم‌آبی» یکی از بنیادین‌ترین مفاهیم دوران جدید در توسعه منابع آب و انرژی است. من اصرار دارم که آب و انرژی را یکدیگر به‌کار برده شوند، هرچند ما تنها از ماده آب در مفهوم «سازگاری با کم‌آبی» استفاده کرده‌ایم. «سازگاری با کم‌آبی» اگرچه در قالب یک کارگروه ملی در هیئت وزیران تشکیل شده و سازوکاری برای هماهنگ‌کردن دستگاه‌های مرتبط با آب و انرژی است، اما دیدگاهی بسیار و اقداماتی متفاوت از آنچه در گذشته نسبت به آنها اهتمام داشته‌ایم، جوهره سازگاری با کم‌آبی است. سازگاری با کم‌آبی به آن معناست که بپذیریم: کم‌آبی همراه تمدن ایرانی است که باید توجه فراوانی آب را کنار بگذاریم. و با وجود کم‌آبی می‌توانیم تمدنی بالنده و توسعه‌های پایدار و تضمین‌کننده امنیت و کیفیت زندگی ایرانیان بنا کنیم همان‌گونه که نسل‌های گذشته این کار را انجام داده بودند. تأمین منابع آب و انرژی جدید را باید نسبت‌گونه اما آنچه اولویت دارد، مدیریت مصرف و تقاضای منابع موجود است. ما تنها زمانی موفق می‌شویم که مسئله آب و انرژی را بین سازمان‌های مختلف تقسیم نکرده و بدون هماهنگی بین‌سازمانی و بدون هدف مشترک پایدارسازی منابع آب و انرژی، عمل نکنیم. کارگروه ملی سازگاری با کم‌آبی شروع به کار کرده و اگرچه من و همکارانم مجدانه برای موفقیت آن تلاش خواهیم کرد، اما هم‌زمان می‌دانیم که سازگاری با کم‌آبی فرایندی کند و نسبتا درازمدت است. تحولات زیادی در ذهن‌ها و نگرش‌ها، تنظیمات اقتصادی، فناوری‌ها، الگوهای رفتاری اجتماعی و فرهنگی و عوامل مؤثر بر اقتصاد سیاسی لازم است تا سازگاری با کم‌آبی امکان‌پذیر شود. ما به دقت می‌دانیم که سازگاری با کم‌آبی به جهات مختلف فرایندی اجتماعی است. این فرایند هم از جهت ضرورت تغییر رفتارهای مصرف آب و انرژی، اجتماعی است و هم از منظر ضرورت مشارکت همه اقشار مردم، اجتماعی است.

ما نیازمند تولید گفتار درباره سازگاری با کم‌آبی هستیم؛ زیرا گفتارها از حد بیان فراتر می‌روند و به جامعه جهت می‌دهند. اندیشه‌ها در قالب گفتارها بیان می‌شوند. من امروز اصرار دارم در چارچوب اندیشه‌ورزی درباره سازگاری با کم‌آبی و تولید گفتارهایی که به رفتارهای سازمانی و کارشناسی ما جهت می‌دهند، بر چهار اقدام کلان مرتبط با سازگاری با کم‌آبی تأکید کنم. تأکید بر آنها به معنای جلب توجه کلیه تمامی تخصصی سازگاری با کم‌آبی به آنها و دعوت از اندیشمندان حوزه منابع آب و انرژی کشور برای تداوم مسیر تحول خواهد بود.

یکی از مهم‌ترین موضوعات تضمین آب است. در این زمینه چگونه عمل خواهد شد؟

با مروری بر سازوکارهای گذشته در نحوه تخصیص آب در کشور تا قبل از نظام تخصیص آب حاکم فعلی حاکی از فقدان یک نظام تخصیص آب سازمان‌یافته و به‌هم‌پیوسته است؛ به‌طوری‌که برنامه‌ریزی‌ها و اجرای طرح‌های توسعه منابع آب کشور همواره دنباله‌روی گرایش‌ها و رقابت‌های محلی و مناطق از برنامه‌های سیاسی‌ارگان‌های اجرائی بوده و سلف و معیار مشخصی که تعیین کننده آن چه اندازه مجاز به تخصیص از منابع آب هستیم، وجود نداشته است. همچنین کردن کار مشخصی برای فرایند تخصیص آب به متقاضیان با طرح‌های توسعه منابع آب تعریف نشده بود و به‌این‌ترتیب تخصیص آب به‌صورت غیرمنسجم و غیرسیستماتیک انجام می‌شد. بدون اینکه به نتایج اقتصادی کارا و به لحاظ اجتماعی و زیست‌محیطی پایدار باشد. اتخاذ می‌شود. قبلت آن در بهترین شرایط باید به عزیمت تمام‌شده و ارزش اقتصادی آب در یک حوزه مشابه که لازمه این امر کنترل و نظارت بر میزان برداشت آب از طریق تحویل حجمی و سیستماتیک و ایجاد یک ارتباط با بازار مناسب به‌طور جدی از سوی وزارت نیرو پیگیری شد و در این راستا نهادسازی و نظام‌مندسازی فرایند تخصیص آب از طریق تهیه و ابلاغ دستورالعمل اجرائی تخصیص آب و نظام‌نامه تخصیص آب به شرکت‌های آبفا در زمان‌بندی، مدیریت شرکت‌های آبفا شده که در حال حاضر تخصیص آب در کشور است. این فرایند به‌گونای طراحی شده که ضمن محدودشدن نکردن وظیفه حاکمیتی وزارت نیرو، دامنه معقول و منطقی از اختیارات شرکت‌های آب منطقه‌ای را نیز در ارتبای سیاست‌های تمرکززدایی مدنظر قرار می‌دهد که عبارت دیگر وزارت نیرو سرپرستی کننده تقاضاهای کلان مناطق و حفاظت‌کننده مجوزهای کلان برداشت آب در سطح واحدهای هیدرولوژیکی بوده و به‌بررسی تقاضاهای فردی و در داخل هر واحد هیدرولوژیکی با اجازه برداشت معین (در قالب سقف تخصیص تعیین‌شده از سوی وزارت نیرو) برعهده شرکت‌های آب منطقه‌ای است. به‌همین‌منظور برای نهادینه کردن فرایند پیش‌بینی‌شده در نظام تخصیص آب، کمیسیون تخصیص آب در معاونت آمور و آبهای وزارت نیرو و کمیته‌های مدیریت منابع آب در شرکت‌های آب منطقه‌ای ایجاد شده و حضور دارند و در قالب دستورالعمل‌ها، شیوه‌نامه و بخش‌نامه‌های ذی‌ربط نسبت به تخصیص بهینه آب بر اساس ظرفیت‌ها و اولویت‌ها اقدام می‌کند. اجرای طرح‌های توسعه منابع آب بدون توجه به تاثیرپذیری از طرح‌های بالادست و تاثیرگذاری بر طرح‌های پایین‌دست توجه موجب عدم پایداری این طرح‌ها و گاه ازبین‌رفتن سرمایه‌گذاری‌های قبلی می‌شود. از دیگر عدم توجه به توسعه متوازن استان‌ها در سطح حوضه‌های آبریز بحث است که شرایط اقتصادی- اجتماعی در برخی از مناطق و استان‌های واقع در حوزه حوضه آبریز به طور نسبی نامناسب‌تر از سایر مناطق باشد که این موضوع موجب توسعه نامتوزن و نامعادله آمیز در برخی از مناطق ایران. در برخی مناطق دیگر استفاده از منابع آب می‌تواند ظرفیت‌های مناسبی را فراروی مناطق برای فرار قدم. نکته مهم این است که تصور تکنیم محدودیت آب، محدودیت توسعه است بلکه محدودیت منابع آب، منشق نگاه و خرد متفاوتی برای توسعه است. مهم این است که محدودیت به فرصت تبدیل شود. برخی تصور می‌کنند که محدودیت منابع آب را باید از میان برد و به فراوانی آب یا آب گاهی دست پیدا کرد. بی‌آمد صنعت‌بیزنسی، اقتصاد و اجتماعی این رویکرد می‌تواند به قیمت نابودی سرزمین تمام شود. محدودیت آب را باید به خودورزی متفاوتی برای توسعه بدل کرد. این فرورزی متفاوت، همان سازگاری با کم‌آبی است. مهم این است که دولت و بخش خصوصی از «اندام‌دن آب» وجود دارد که آن را بلدند» به «اندام‌دن آب» خودرو و پایدار است» گذار کنند. ارزش اقتصادی یافت آب نقشی بسیار مهم در شکل‌دادن به این گذار خواهد داشت.

چرا بر اصلاح ارزش اقتصادی آب تاکید می‌کنید؟

درست از درک اهمیت «ارزش اقتصادی آب و انرژی» است که پیوند میان آب و انرژی با یکی از مهم‌ترین ارزش‌های اجتماعی، یعنی عدالت آشکار می‌شود. نظام اقتصادی آب باید حداقل دو هدف عمده را محقق کند: اول، ارزش ذاتی آب آشکار شود و دوم، تعرفه‌ها به ابزاری برای کمک به عدالت اجتماعی تبدیل شود. واقعیت آن است که نظام فعالی تعرفه‌گذاری آب بالاخص در بزرگ‌ترین مصرف‌کننده یعنی کشاورزی - ابدا با توسعه پایدار مبتنی بر شناسایی ارزش ذاتی آب سازگار نیست. نظام تعرفه فعلی مشوق بدمصرفی است. بنابراین ضرورت اصلاحات در تعرفه آب مصارف کشاورزی به معنای دست‌کشیدن از ارائه یارانه‌ها به بخش کشاورزی نیست. عمده کشورهای دنیا برای حفظ امنیت غذایی یارانه‌های زیادی به بخش کشاورزی می‌دهند ولی منطق یارانه برای بخش کشاورزی - ارجمند یارانه مستمر در آب - باید مشوق بهره‌وری، بهبود روش‌های کشت، کاهش میزان هدررفت آب و انرژی، و کمک‌کننده به پایدارسازی منابع آب، خاک و غذا باشد. نظام فعلی قیمت‌گذاری آب کشاورزی مشوق چنین دستاوردهایی نیست و اصلاح آن نیز به معنای دست‌کشیدن از یارانه‌های بخش کشاورزی و عدم حمایت از این بخش نیست. نظام تعرفه‌گذاری آب برای سازگاری با کم‌آبی در بخش شرب و بهداشت نیز باید معطوف به این واقعیت باشد که سهم این بخش از کل مصارف کشور (که بین ۶ تا ۸ درصد است) نباید شاخصی برای میزان اهمیت نسبی آن تلقی شود.

این درست است که آب شرب و بهداشت فقط شش تا هشت درصد مصارف کل آب کشور را تشکیل می‌دهد؛ اما آب شرب آب حیات است. نظام تعرفه‌گذاری آب برای سازگاری با کم‌آبی آب نیست. مسئله فقط اقتصاد آب نیست. اگرچه این مقوله بسیار مهم است. ما حتی اگر کشور بسیار ثروتمندی باشیم و بخواهیم به ثروتمندان نیز یارانه مصرف آب بدهیم، باید به یاد داشته باشیم که در اکثر حوضه‌های آبریز کشور، آب بیشتری برای مصرف وجود ندارد و نمی‌تواند از منابع کافی، تأمین‌کننده حقوق حقابه‌داران، نیاز مقاصد جدی بین دی‌نفعان بخش‌های مختلف مصرف در استان‌های مختلف، رضایت‌مندی دی‌نفعان و مشارکت مؤثر آنها در مدیریت آب و دارای روش مطلوب کشاورزی، صنعت و خدمات است. استقرار مدیریت سازگار مدیریت منابع آب در حوضه‌های آبریز، قبل از آنکه بر مبنای تمرکز ساختار سازمانی باشد، برپایه تغییر رویکرد دست‌اندرکاران و ذی‌نفعان در حوضه‌های آبریز و پایه‌ساز رویکرد فوق موجب کنترل گذشته، نتیجه فقط اقدامات و مؤثر آب و انرژی توسعه پایدار باشد و در راستای توسعه پایدار دست‌اندرکاران و ذی‌نفعان حوضه آبریز در قالب شورای هماهنگی مدیریت به‌هم‌پیوسته منابع آب حوضه آبریز می‌تواند این رویکرد را عینیت ببخشد [۱].

۳- فعالیت و ساختار شورای هماهنگی مدیریت به‌هم‌پیوسته منابع آب حوضه آبریز

در چارچوب مشارکت جمعی و تعامل و همکاری مشترک در قالب شکل‌گیری و فعالیت‌های شورای هماهنگی مدیریت به‌هم‌پیوسته منابع آب حوضه آبریز، هر برنامه توسعه‌ای اعم از کشاورزی، صنعتی، شرب و گردشگری باید در قالب ملاحظات و مقرراتی باشد که در فرایند مدیریت به‌هم‌پیوسته منابع آب و با مشارکت همه ذی‌نفعان و دست‌اندرکاران حوضه آبریز، سیاست‌گذاری شده باشد و بر آن از توسط نهادها و دستگاه‌های ذی‌ربط اجرائی شود. همچنین اجرای آنها نیز باید ضمن منضبط در برداشت و مصرف آب در مواقع خشک‌سالی و کمبود آب در حوضه‌های آبریز محدودهای مطالعاتی، برنامه‌ریزی شده و به مورد اجرا گذاشته شود. رویکرد مدیریت به‌هم‌پیوسته منابع آب در حوضه‌های آبریز مبتنی بر مشارکت، تعامل و همکاری جمعی همه ذی‌نفعان و دست‌اندرکاران موضوع منابع آب حوضه آبریز است. مدیریت مشارکتی منابع آب به معنی تقسیم قدرت تصمیم‌گیری بین دست‌اندرکاران و ذی‌نفعان حوضه آبریز است. سهم‌بندی مسئولیت‌ها و دانش اختیارات آب و انرژی نه و نیز تنسیم هزینه‌ها و منافع و مبتنی بر رویکرد پایین به بالا است[۵].

با توسعه و گسترش تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی یکپارچه و مشارکتی برای مدیریت، بهره‌برداری و حفاظت از منابع آب در حوضه‌های آبریز مشترک بین استان‌ها و شهرستان‌ها و کاهش اعتلاء و منطقی تخارب‌ها و منازعات، پیرامون منابع آب محدود در ایران، مشارکت ذی‌نفعان و دست‌اندرکاران در فرایندهای تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، بهره‌برداری و حفاظت از منابع آب مشترک با تاکید بر اصل توسعه پایدار و همدلی و همکاری آنها، می‌تواند در میسر توسعه پایدار

عکس: امیر مجیدی

در گفتگوی جدید به مسئله پایداری سرزمین توجه نمی‌شد؟

تا چند دهه قبل برنامه‌های توسعه، بر محور توسعه اقتصادی تهیه و تدوین می‌شد (برابر داستان توسعه را رشد اقتصادی به‌جای برانگیخته‌شدن ملاحظات عدالت‌محورانه و توجه به سازگاری با محیط زیست). آمایش، خرّد توسعه است. در رویکرد آمایشی ارزیابی مؤلفه‌ـ عوامل طبیعی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و توزیع متوازن و هماهنگ جغرافیایی فعالیت‌های اقتصادی-اجتماعی در پهنه سرزمین و متناسب با قابلیت‌ها و منابع طبیعی و انسانی انجام می‌شود. بخش وسیعی از کشور ایران در اقلیم خشک و نیمه‌خشک قرار گرفته و همین امر موجب شده که توسعه به حل «مسئله آب» وابسته باشد. باوجود محدودبودن منابع

وزیر نیرو در گفت‌وگو با «شرق» ایده سازگاری با کم‌آبی را تشریح کرد

سازش کنیم

مدیرعامل شرکت مدیریت منابع آب ایران از بازنگری قیمت در حکمرانی آب خبر داد

تعیین رقابتی قیمت آب

شرق: «قیمت صحیح آب باید براساس شرایط وجود بازار رقابتی کامل آب و از تقاطع منحنی‌های عرضه و تقاضای آن و همچنین با لحاظ ارزش اقتصادی آب حاصل شود و در بخش‌های مختلف کشاورزی، شرب و صنعت اعمال شود». محمد حاج‌رسولی‌ها، مدیرعامل شرکت مدیریت منابع آب ایران در گفت‌وگو با «شرق» مهم‌ترین بحث در عبور از بحران آب را حکمرانی خوب می‌داند که به اعتقاد او در سال‌های گذشته از آن بی‌بهره بوده‌ایم. او می‌گوید: روند قبلی مدیریتی در حوضه‌های مرتبط با عرضه و مصرف آب در ایران موثر نبوده و منجر به بهره‌برداری بیش از حد از منابع آب سطحی و زیرزمینی در اغلب حوضه‌های آبی کشور شده است. عملا در نیم‌قرن اخیر ادامه این روند منجر به وخیم‌ترشدن مستمر وضعیت منابع آب و نهایتا بروز بحران آب شده است. حاج‌رسولی‌ها همچنین درخصوص تغییر قیمت آب نیز معتقد است: وازدها و مفاهیم اساسی اقتصادی در مدیریت منابع آب اعم از تعرفه آب، هزینه تمام‌شده آب، قیمت آب و ارزش اقتصادی آب هر یک دارای اهمیت خاص خود هستند. اما قیمت صحیح آب باید براساس شرایط بازار رقابتی کامل آب و از تقاطع منحنی‌های عرضه و تقاضای آن و همچنین با لحاظ ارزش اقتصادی آب حاصل و در بخش‌های مختلف کشاورزی، شرب و صنعت اعمال شود. قیمت آب در بهترین شرایط باید بین هزینه تمام‌شده و ارزش اقتصادی آب در یک حوضه باشد که لازمه این امر کنترل و نظارت بر میزان برداشت آب از طریق تحویل حجمی و سیستماتیک و ایجاد یک ارتباط با بازار مناسب بین کشاورزان و ذی‌نفعان بخش‌های نظارت دولت و سازمان‌های بالادستی است. تجربه نشان داده که در کشورهای مانند بلژیک، استرالیا و فرانسه که در کنار مسائل مانند فرهنگ‌سازی، استفاده از ابزارهای متفاوت در کنترلوری، کنترل برداشت از آب‌های زمینی، مدیرسازی بخش‌های آبیاری و ... وش‌های اقتصادی از جمله بازار آب به عنوان یکی از شاخص‌ها و راه‌های کاهش مصرف آب و ارزش اقتصادی آب در بخش‌های مختلف کشاورزی، کنترل برداشت از آب‌های زمینی، مدیرسازی بخش‌های آبیاری و زهکشی و ... وش‌های اقتصادی از جمله بازار آب به عنوان یکی از شاخص‌ها و راه‌های مؤثر بر تغییر رفتار مشتریان پرمصرف و حرکت به سوی بهینه‌سازی الگوهای کشت موجود خواهد بود. در حقیقت نیاز به کارگیری ابزارهای آب به‌نوعی با تحکیم موجب تغییر رویکرد در تخصیص‌های حوضه‌ای (که در دحال‌حاضر عمدتا مبتنی بر مسائل صرفا منابع آب هستند) می‌شود. بلکه به در بحث مدیریت تقاضا نیز تاثیرگذار خواهد بود؛ ولی توجه به رویکردهای نوین باید با لحاظ‌کردن مسائل اجتماعی و فرهنگی‌سازی همراه باشد تا بتوان به صورت کامل‌به‌کام این موضوع مهم را تبیین کرد. بدون‌شک در سال‌های پیش‌رو مسئله تامین آب شرب مطابق حق و سهمیه و لزوم کاهش مصارف دیگر و مدیریت صحیح آنها، به‌نوع در بخش کشاورزی کمک شایانی به بحث بالارفتن قابلیت اطمینان آب شرب خواهد کرد. بنابراین یک رویکرد به‌نوع در ایجاد اطمینان‌ها، استفاده از رویکرد برنامه‌ریزی مبتنی‌بر ارزش اقتصادی آب در جهت کاهش مصارف، ایجاد بازارهای آب محلی با لحاظ‌کردن مسائل سیاسی، اجتماعی و خواسته‌های منطقی حقابه‌داران است که قطعا استفاده از تجربه‌های بین‌المللی در بخش ارزش‌گذاری آب سطحی و زیرزمینی ضروتی اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. بدیهی است که فایده‌گرای موضوع غلبه‌یافتن کاهش مصرف، بهبود وضعیت کیفی آب نیز خواهد بود، اما هرگز نباید در قوتاهمدت ایده‌آل‌گرایانه باشد. ما با ایجاد زیرساخت‌های قانونی و اصلاح نگرش‌های مدیریتی سنتی قابل دستیابی است.

براساس الگوی شورای هماهنگی حوضه آبریز

اجرای مدیریت مشارکتی آب

عباس جنگی‌مرنی: «اکنون مدیریت منابع آب در ایران کاملا پیچیده و چندوجهی شده است؛ چون تحت تاثیر عوامل مختلف و پویای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است و سیاست‌ها، دستگاه‌ها و نهادهای مختلفی در آن مؤثر هستند. این عوامل در کنار رشد فزاینده مراکز جمعیتی، کار برای خروج از شرایط فعلی و ارتقای معیشت مناطق و منطقه‌ای در کاهش مسائل و مشکلات مدیریت منابع آب، نیاز به راهکارهایی متفاوت از رویکردهای قبلی و فیزیکی است. راهکارهایی که بتواند بستری مناسب برای شناسایی و پیاده‌سازی فرایندهای بین‌بخشی و ارائه واقع‌گرایانه علمی، فنی و اجرائی ایجاد کند و پایداری توسعه را تضمین کند [۳]. یکی از اساسی‌ترین کاهش تضاد منافع ذی‌نفعان بالادست و پایین‌دست حوضه‌های آبریز، پیرامون مباحث آب مشترک است. ایجاد فضای گفت‌وگو، شفافیت و همکاری جمعی می‌تواند بستری برای حل مشکلات منابع آب ایجاد کند. به دلیل ویژگی‌های مناطق، تهیه شیوه و برنامه اقدام مستقل برای هر حوضه آبریز مورد تاکید است. اما راهکار مدیریتی و غیرسازه‌ای فوق به‌عنوان یک رویکرد کلی، تقریبا برای همه حوضه‌های آبریز، شمول دارد. به دلیل اینکه وزارت نیرو در محدوده بودجه‌ای در حال حاضر و مشکلات منابع آب، به تنهایی عهده‌دار نیست و چنانچه قبلا بیان شد، مجموعه وزنجیره‌ای از سیاست‌ها و نهادها در زمینه در حوضه دیگر قبل گذشته، ایفای نقش کرده‌اند، بنابراین نیاز است وزارت نیرو به سمه حوض، برای شکل‌گیری چنین فضای تعامل، همکاری و مشارکتی پیش‌قدم شود [۲و۴].

برای شروع فرایند همکاری و مشارکت در مدیریت منابع آب حوضه‌های آبریز، تشکیل و فعال‌شدن نهادی بین‌بخشی و بین‌دستگاهی و البته با مشارکت جدی و مؤثر ذی‌نفعان اصلی حوضه آبریز (نظیر نمایندگان صنف کشاورزان)، لازم و ضروری به نظر می‌رسد. اگرچه الگوی شورای هماهنگی مدیریت به‌هم‌پیوسته منابع آب حوضه آبریز می‌تواند الگوی مرجعه از نهاد بین‌بخشی باشد، یادآوری این الگو روشی سازنده و مبتنی بر همکاری و مشارکت جمعی در مدیریت‌سازی، برنامه‌ریزی و فعالیت‌های مربوط به منابع آب، کشاورزی، محیط زیست، توسعه مراکز جمعیتی، اجرائی، گردشگری و صنعت است که ظرفیت لحاظ و گفت‌وگویش نیز فقط وزارت نیرو نیست، بلکه تمام دستگاه‌های اجرائی و نهادهای حاکمیتی و نمایندگان ذی‌نفعان اصلی هستند. براساس این همکاری و مدیریت مشارکتی منابع آب در حوضه‌های آبریز و سترسازی مناسب برای افزایش سرمایه اجتماعی آب و ارتقای سطح همفکری و همکاری جمعی، شورای هماهنگی مدیریت منابع آب می‌تواند یکی پس از دیگری تدریجا به حیاتی حل جدی [۲].

مدیریت به‌هم‌پیوسته منابع آب در حوضه‌های آبریز فرایندی است که از طریق ارتقای همکاری‌های اجرائی بین دست‌اندرکاران و ذی‌نفعان برای توسعه و مدیریت منابع آب، زمین و سایر نهادها، به دلیل به‌دحاکترسیاندن رفاه اقتصادی و اجتماعی به شهروندان عادلانه و بدون به‌خطراندختن پایداری اکوسیستم‌های حیاتی، پیاده‌سازی می‌شود. حوضه آبریز باید حوضه‌ای با منابع و مصارف آب متعادل، فاقد برداشت غیرمجاز آب، دارای محیط زیست سالم و برخوردار از منابع کافی آب، تامین‌کننده حقوق حقابه‌داران، تهدید نداشته بین بخش‌های مختلف مصرف در استان‌های مختلف، رضایت‌مندی دی‌نفعان و مشارکت مؤثر آنها در مدیریت آب و دارای روش مطلوب کشاورزی، صنعت و خدمات است. استقرار مدیریت به‌هم‌پیوسته منابع آب در حوضه‌های آبریز، قبل از آنکه بر مبنای تمرکز ساختار سازمانی باشد، برپایه تغییر رویکرد دست‌اندرکاران و ذی‌نفعان در حوضه‌های آبریز و پایه‌سازی رویکرد فوق موجب کنترل گذشته، نتیجه فقط اقدامات و مؤثر آب و انرژی توسعه پایدار باشد و در راستای توسعه پایدار دست‌اندرکاران و ذی‌نفعان حوضه آبریز در قالب شورای هماهنگی مدیریت به‌هم‌پیوسته منابع آب حوضه آبریز می‌تواند این رویکرد را عینیت ببخشد [۳].

۴- فعالیت و ساختار شورای هماهنگی مدیریت به‌هم‌پیوسته منابع آب حوضه آبریز

در چارچوب مشارکت جمعی و تعامل و همکاری مشترک در قالب شکل‌گیری و فعالیت‌های شورای هماهنگی مدیریت به‌هم‌پیوسته منابع آب حوضه آبریز، هر برنامه توسعه‌ای اعم از کشاورزی، صنعتی، شرب و گردشگری باید در قالب ملاحظات و مقرراتی باشد که در فرایند مدیریت به‌هم‌پیوسته منابع آب و با مشارکت همه ذی‌نفعان و دست‌اندرکاران حوضه آبریز، سیاست‌گذاری شده باشد و بر آن از توسط نهادها و دستگاه‌های ذی‌ربط اجرائی شود. همچنین اجرای آنها نیز باید ضمن منضبط در برداشت و مصرف آب در مواقع خشک‌سالی و کمبود آب در حوضه‌های آبریز محدودهای مطالعاتی، برنامه‌ریزی شده و به مورد اجرا گذاشته شود. رویکرد مدیریت به‌هم‌پیوسته منابع آب در حوضه‌های آبریز مبتنی بر مشارکت، تعامل و همکاری جمعی همه ذی‌نفعان و دست‌اندرکاران موضوع منابع آب حوضه آبریز است. مدیریت مشارکتی منابع آب به معنی تقسیم قدرت تصمیم‌گیری بین دست‌اندرکاران و ذی‌نفعان حوضه آبریز است. سهم‌بندی مسئولیت‌ها و دانش اختیارات آب و انرژی نه و نیز تسنیم هزینه‌ها و منافع و مبتنی بر رویکرد پایین به بالا است[۵].

۲- اهداف و اقدامات شورای هماهنگی مدیریت به‌هم‌پیوسته منابع آب حوضه آبریز

برای جلوگیری از تعمیق و گسترش چالش‌های مدیریت منابع آب ایران و تعدیل و رفع آنها باید مقدمه‌ـ مقررات، مهارت فنی، نیروی انسانی و حتی تا حدودی منابع مالی در مقایسه با کشورهای قفبر، کمبود قابل‌توجهی در کشور نیست. متخصصان زیادی هستند که می‌توانند راه‌حل‌های فنی و علمی مختلفی برای چالش‌های مدیریت منابع آب تبیین می‌شود.

موانعی وجود دارند که باعث می‌شوند اساسا درک کامل و مشترکی از چالش‌های منابع آب در عرصه‌های سیاست‌گذاری، اجرائی و نظارتی و نیز در فضای عمومی کشور ایجاد نشود و سطح بسیار پایین و شکننده‌ای از تعامل و همکاری برای مدیریت منابع آب حوضه‌های آبریز به وجود آید. برای خروج از شرایط فعلی و ارتقای عدالت‌محوری در مدیریت منابع آب، نیاز به راهکارهایی متفاوت از رویکردهای قبلی و فیزیکی است. راهکارهایی که بتواند بستری مناسب برای شناسایی و پیاده‌سازی فرایندهای بین‌بخشی و ارائه واقع‌گرایانه علمی، فنی و اجرائی ایجاد کند و پایداری توسعه را تضمین کند [۳]. یکی از اساسی‌ترین کاهش تضاد منافع ذی‌نفعان بالادست و پایین‌دست حوضه‌های آبریز، پیرامون مباحث آب مشترک است. ایجاد فضای گفت‌وگو، شفافیت و همکاری جمعی می‌تواند بستری برای حل مشکلات منابع آب ایجاد کند. به دلیل ویژگی‌های مناطق، تهیه شیوه و برنامه اقدام مستقل برای هر حوضه آبریز مورد تاکید است. اما راهکار مدیریتی و غیرسازه‌ای فوق به‌عنوان یک رویکرد کلی، تقریبا برای همه حوضه‌های آبریز، شمول دارد. به دلیل اینکه وزارت نیرو در محدوده بودجه‌ای در حال حاضر و مشکلات منابع آب، به تنهایی عهده‌دار نیست و چنانچه قبلا بیان شد، مجموعه وزنجیره‌ای از سیاست‌ها و نهادها در زمینه در حوضه دیگر قبل گذشته، ایفای نقش کرده‌اند، بنابراین نیاز است وزارت نیرو به سمه حوض، برای شکل‌گیری چنین فضای تعامل، همکاری و مشارکتی پیش‌قدم شود [۲و۴].

برای شروع فرایند همکاری و مشارکت در مدیریت منابع آب حوضه‌های آبریز، تشکیل و فعال‌شدن نهادی بین‌بخشی و بین‌دستگاهی و البته با مشارکت جدی و مؤثر ذی‌نفعان اصلی حوضه آبریز (نظیر نمایندگان صنف کشاورزان)، لازم و ضروری به نظر می‌رسد. اگرچه الگوی شورای هماهنگی مدیریت به‌هم‌پیوسته منابع آب حوضه آبریز می‌تواند الگوی مرجعه از نهاد بین‌بخشی باشد، یادآوری این الگو روشی سازنده و مبتنی بر همکاری و مشارکت جمعی در مدیریت‌سازی، برنامه‌ریزی و فعالیت‌های مربوط به منابع آب، کشاورزی، محیط زیست، توسعه مراکز جمعیتی، اجرائی، گردشگری و صنعت است که ظرفیت لحاظ و گفت‌وگویش نیز فقط وزارت نیرو نیست، بلکه تمام دستگاه‌های اجرائی و نهادهای حاکمیتی و نمایندگان ذی‌نفعان اصلی هستند. براساس این همکاری و مدیریت مشارکتی منابع آب در حوضه‌های آبریز و سترسازی مناسب برای افزایش سرمایه اجتماعی آب و ارتقای سطح همفکری و همکاری جمعی، شورای هماهنگی مدیریت منابع آب

سایه‌روشن

توسعه میادین نفت و گاز ایران در خزر در هاله‌ای از ابهام

قادر شادی‌وند . کارشناس انرژی

● بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و استقلال جمهوری‌های حاشیه دریای خزر و به‌دنبال آن پی‌ازتدن قوانین دوجانبه میان ایران و شوروی درخصوص دریای خزر، موضوع این دریا و تعیین رژیم حقوقی آن همواره یکی از مباحث چالش‌برانگیز میان کشورهای ساحلی به شمار می‌رفته است. دشواری دستیابی به توافق نهایی در تعیین رژیم حقوقی دریای افزایش یافت که با اثبات وجود پتانسیل بالای میادین هیدروکربوری در دریای خزر، جمهوری‌های استقلال‌یافته که از لحاظ اقتصادی در شرایط نابسامانی بودند، توسعه منابع نفت و گاز را در آب‌های ساحلی و مورد ادعای خود به‌سرعت و بدون توجه به نبود ساختار قانونی مورد بذیرش همه ذی‌نفعان دنبال کردند. تلاشی که به دلیل ضعف بنیه مالی و تکنولوژیکی این کشورها در نهایت به حضور گسترده شرکت‌های بین‌المللی به‌ویژه اروپایی و آمریکایی در این پهنه آبی منج